

مطالعه رعایت قواعد ماهوی اصول دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران

رضا پرستش^۱

سحر خسروی دانش^۲

چکیده

پیشرفت‌های گوناگون انسان‌ها و تخصصی شدن، قلمروهای نوین کنش‌گری انسان را در جامعه پدید آورده، بنابراین ضرورت پیدایش نظام‌های حرفه‌ای را دامن زده است. در راستای اصل حاکمیت قانون، هریک از این نظام‌ها تابع مقررات حرفه‌ای خاصی هستند که از یک سو به بیان روندهای جاری آن حرفه و از سوی دیگر به تخلفات احتمالی اعضای حرفه و ضمانت اجراهای آن‌ها می‌پردازد. رسیدگی به تخلفات و تعیین ضمانت اجراها در مراجع شبه قضایی انجام می‌شود که ارزیابی عملکرد آن‌ها از چشم‌انداز رعایت سنجه مهمی چون دادرسی منصفانه دارای اهمیت است. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، در صدد است تا اصول قواعد ماهوی سنجه دادرسی منصفانه را در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران بررسی کند. دادرسی منصفانه یکی از دانش-واژگان مهم حقوقی است که برآیندهای عملی بسیاری را در حفظ حقوق بنیادین طرفین دادرسی و نیز در جامعه دارد. حق انتخاب وکیل، حق سکوت، حق دفاع و ...، نمونه‌های دادرسی منصفانه است که در مراحل گوناگون رسیدگی باید اعمال شود. اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز منع مجازات مضاعف، شماری از مهم‌ترین اصول قواعد ماهوی دادرسی منصفانه است. پدیدآورندگان این پژوهش دریافته‌اند که در پاره‌ای از مقررات نظام‌های حرفه‌ای، اصول دادرسی منصفانه مورد پذیرش صریح قرار نگرفته است و این کاستی باید در بازنگری‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. تا آن هنگام، مراجع شبه قضایی که بر پایه مقررات نظام‌های حرفه‌ای به احراز ارتکاب تخلف و تعیین ضمانت اجرای آن می‌پردازند، باید در اعمال قواعد ماهوی دادرسی منصفانه کوشا باشند.

واژگان کلیدی: اصول دادرسی، دادرسی منصفانه، قواعد ماهوی، مراجع شبه قضایی، نظام حرفه‌ای.

مقدمه

گسترش اندیشه‌های انسان‌گرایانه در سده‌های گذشته در سرتاسر جهان نظام‌های حقوقی را نیز متأثر کرده است؛ به‌گونه‌ای که در هریک از سازه‌های نظام‌های حقوقی، میزان و نیز چگونگی پدیداری ارزش‌های انسانی دارای اهمیت بوده، به پیامدهایی محسوس نیز منجر می‌شود.

امروزه به‌زامداری یا حکمرانی مطلوب خود یکی از ارزش‌های مهم در عملکرد حاکمیت هاست و در شمار مهم‌ترین مطالبات افکار عمومی قرار دارد. به‌زامداری در سازهٔ تقنینی حاکمیت نیز بر رعایت اصل ضرورت در قانون‌گذاری و نیز رعایت سنجه‌هایی همانند عقلایی بودن و پیش‌بینی بسترهای لازم برای نهادینگی اصل حاکمیت قانون در جامعه تأکید دارد.

در این میان، پیاده‌سازی روندهای پیش‌گفته در سطوح گوناگون مقررات دارای اهمیت است. افزون بر قوانین اساسی و عادی، نظام‌های حرفه‌ای نیز که به تنظیم امور در حرفه‌ها و صنف‌های گوناگون می‌پردازند باید با پیروی از اصول پیش‌گفته، افزون بر کوشش در راه انتظام بخشیدن به قلمرو کارکردی خود، در راه پاسداشت مفاهیم بنیادینی همانند دادرسی منصفانه که به‌ویژه در دهه‌های گذشته در سپهر نظام‌های حقوقی درخشیده است، کوشا باشند.

بر پایهٔ این مراتب، این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دسته اول پژوهشی نگاشته شده، در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که قواعد ماهوی دادرسی منصفانه چگونه در نظام‌های حرفه‌ای ایران سازمان یافته‌اند. در این راستا پس از مطالعهٔ مفاهیم مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران و نیز دادرسی منصفانه، هریک از مؤلفه‌های قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در نظام‌های حرفه‌ای ایران بررسی می‌شود.

۱. مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران

این تحقیق به مطالعهٔ رعایت اصول و قواعد دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای می‌پردازد. از همین رو در آغاز باید مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران را مطالعه کرد. در

این راستا و در ادامه، مفهوم‌شناسی نظام‌های حرفه‌ای و نیز جلوه‌های مقررات نظام‌های حرفه‌ای در ایران از نظر گذرانده می‌شود.

۱.۱. مفهوم‌شناسی نظام‌های حرفه‌ای

پیشرفت‌های گوناگون در زندگی انسان کنش‌گری او را در زمینه‌های فردی و اجتماعی تازه‌ای به‌همراه آورده و خود به پیدایش پیچیدگی‌های گوناگون در زندگی انسان انجامیده است. تخصصی شدن جوامع که یکی از بنیادهای مهم مدرنیسم به‌شمار می‌رود هم به این روند دامن زده و حرفه‌های گوناگونی را در جامعه پدید آورده است که به ارائه خدمات و نیز تولید فراورده‌های متعددی برای جامعه می‌پردازند.

برای سامان‌دهی به هریک از زمینه‌های کنش‌گری پیش‌گفته نظام‌های حرفه‌ای ویژه‌ای پدید آمده است که با پیش‌بینی مقررات و نیز ضمانت‌اجراهایی روشن در چارچوب آن زمینه کوشیده‌اند تا همه کنش‌گران را به پاسداشت بایسته‌های حیات آن حرفه رهنمون سازند.

بنابراین نظام‌های حرفه‌ای را باید مجموعه مقرراتی دانست که در هریک از حرفه‌ها و یا صنف‌ها وجود داشته، به پیدایش نظم و انسجام در آن حرفه یا صنف بینجامد.

۲.۱. جلوه‌های مقررات نظام‌های حرفه‌ای در ایران

پس از مطالعه مفهوم نظام‌های حرفه‌ای، اینک لازم است تا شماری از مهم‌ترین مقررات این نظام‌ها در حقوق ایران به‌گونه‌ای فشرده مورد اشاره قرار گیرند. اما پیش از آن باید اشاره شود که با توجه به تعدد صنف‌ها و حرفه‌ها در کشورمان، مجال برای معرفی همه آن‌ها وجود ندارد، بلکه در ادامه به معرفی فشرده دو مقرره مربوط به نظام‌های حرفه‌ای مرتبط با نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۱.۲.۱. قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۱۳۸۱ش

در برخی پرونده‌های حقوقی، صدور رأی پیرامون پرونده مستلزم اظهار نظر درباره جنبه‌های فنی و تخصصی آن رأی است. درواقع، پیچیدگی‌های روزافزون زندگی اجتماعی و ورود همیشگی به قلمروهای نوین زندگی سبب شده است که در بسیاری از موارد اختلافاتی

حقوقی در میان چند طرف پدید آمده و به‌طور طبیعی تصمیم‌گیری در این باره مستلزم اظهار نظر فنی و تخصصی پیرامون آن موضوع باشد.

در این موارد، دادرسی حقوقی با صدور قرار کارشناسی، فردی خبره را در این حوزه که صلاحیت او پیش‌تر از سوی دستگاه قضایی برای عضویت در کانون کارشناسان رسمی دادگستری تأیید شده است، برای اظهار نظر در پرونده مطروحه به همکاری فرامی‌خواند.

با توجه به اهمیت نهاد کارشناسی در دادرسی‌های حقوقی، کیفی و نیز اداری، پس از چند نمونه قانون‌گذاری سرانجام قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۸۱ لازم‌الاجرا شد. در این قانون افزون بر تعیین سازوکارهای انتظامی صنف کارشناسان، شماری از جرایم و تخلفات این افراد نیز بیان شده است.

۲.۲.۱. لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ۱۳۳۳ ش

این سند قانونی به انتظام امور در صنف وکالت می‌پردازد. با اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی کوشش‌هایی برای روزآمدسازی نظام حرفه‌ای وکالت شده، اما همچنان این لایحه بر صنف وکالت حاکم است و در آن افزون بر پیش‌بینی نهادهای اجرایی، شرایط ورود به صنف و...، از تخلفات وکلا نیز سخن گفته شده است.

۲. دادرسی منصفانه

از آنجا که در این نوشتار، سنجه دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای در ایران بررسی می‌شود، لازم است در این گفتار به دانش - واژه دادرسی منصفانه پرداخته شود و مفهوم‌شناسی و نیز مبانی آن مورد مطالعه قرار گیرد.

۱.۲. مفهوم‌شناسی

به‌طور کلی هریک از دانش - واژگان دارای دو مفهوم لغوی و نیز اصطلاحی است، از همین‌رو در ادامه به تبیین هریک از مفاهیم یادشده از دادرسی منصفانه پرداخته می‌شود.

۱.۱.۲. مفهوم لغوی

دادرسی منصفانه که به گستردگی در ادبیات حقوقی چهره یافته، یک ترکیب وصفی پدیدآمده از واژگان رسیدگی و منصفانه است.

۲.۱.۲. مفهوم اصطلاحی

دادرسی منصفانه به زبان ساده به مفهوم تضمین‌های کلی برای حقوق طرفین دعواست. از یک سو، خواهان یا شاکی باید بتواند حق بر دادخواهی خود را به گونه‌ای مناسب پیاده کند و از سوی دیگر نیز خواننده در دعوی حقوقی و یا متهم در دعوی کیفری، سزاوار پیاده‌سازی حقوق دفاعی خود است. بنابراین دادرسی منصفانه در چشم‌انداز کلی خود به تحقق کامل این حقوق بنیادین می‌نگرد. سازه‌های گوناگون منشور بین‌المللی حقوق بشر همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ خود، دولت‌ها را به فراهم کردن بسترهای پیاده‌سازی دادرسی منصفانه فراخوانده‌اند.

به‌طور کلی باید دانست که استانداردهای دادرسی منصفانه به دو دسته تقسیم شده است:

- استانداردهای عام و فراگیر. حق استماع منصفانه، استقلال و بی‌طرفی دادگاه‌ها یا دیوان‌ها، استماع علنی و جبران کارآمد. این استانداردها در همه مراحل موضوعیت داشته، قابل اعمال‌اند.
- استانداردهای خاص. این استانداردها ناظر بر مراحل سه‌گانه دادرسی اداری است (همتی، ۱۳۹۶، ۲۴۷). هریک از مراجع شبه قضایی که بر پایه قوانین نظام‌های حرفه‌ای به تخلفات اعضا رسیدگی می‌کنند باید این معیارها را به کار بندند.

۲.۲. مبانی

دادرسی منصفانه دارای مبانی مهمی است که توجه به آن‌ها می‌تواند دست‌اندرکاران تقنینی، اجرایی و قضایی را در کوشش برای نهادینگی این مفهوم در نظام‌های حقوقی مصمم‌تر کند؛ از همین رو در ادامه به شماری از این مبانی پرداخته می‌شود.

۱.۲.۲. کرامت انسانی

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها و مبنای برخورداری آن‌ها از حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر بیان شده است. اعلامیه یادشده به‌عنوان نقطه عطف تدوین حقوق جهانی بشر، شناسایی کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌داند. برخورداری انسان از کرامت در اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنای بهره‌مندی افراد از حق دادرسی عادلانه و منصفانه به‌عنوان حق بشری به‌شمار رفته است. به‌موجب حق برخورداری از کرامت است که در صورتی که انسان‌ها در مظان اتهام ارتکاب جرم قرار گیرند، باید در برابر خودسری‌ها و اقدامات سلیقه‌ای مأموران حکومتی از حمایت کامل برخوردار باشند و مادام که اتهام آنان از رهگذر یک دادرسی منصفانه و با رعایت تضمینات دادرسی به اثبات نرسیده باشد، بی‌گناه فرض شده، به‌هیچ‌روی تعرض نسبت به آن‌ها روا داشته نمی‌شود (طه، ۱۳۹۲، ۸۷).

۲.۲.۲. حقوق طبیعی

حقوق بشر صورت تکامل‌یافته مفاهیم ابتدایی‌تر قانون طبیعی و حقوق طبیعی است. حقوق طبیعی بازتاب نظم طبیعی جهان هستی است و نیز مبتنی بر این دیدگاه است که انسان جزئی از نظام هماهنگ هستی است. نماینده اصلی تئوری حقوق طبیعی در دنیای مدرن، جان لاک بود که فلسفه خود را در چارچوب انسان‌گرایی قرن چهاردهم توسعه داد (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). حقوق طبیعی از آن نظر که از طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرد و در قانون طبیعت یافت می‌شود مبنایی حقوقی برای برخورداری انسان‌ها از حقوق بشر از جمله دادرسی عادلانه تلقی شده است. بر اساس این دیدگاه، انسان نیز جزئی از طبیعت و حامل قوانین طبیعی در خود است (سوادکوهی، همان، ۵۹).

۳. قواعد دادرسی ماهوی در نظام‌های حرفه‌ای و صنفی

قواعد ماهوی دادرسی منصفانه نموده‌های گوناگونی دارد که در ادامه به معرفی شماری از آن‌ها و تبیین رویکرد مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران در این باره پرداخته می‌شود.

۱.۳. اصل برائت یا فرض بی گناهی

فرض بی گناهی یا اصل برائت اصل اساسی در محاکمه عادلانه است و تا آنجا اهمیت دارد که به عنوان یک فرااصل یا اصل بنیادین همه نظام‌های حقوقی شناخته می‌شود. این اصل در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر بیان شده است. قوانین آئین دادرسی کیفری و مدنی در کشورمان نیز آشکارا به این اصل مهم اشاره دارد.

دادستان باید دور از هرگونه تردید معقول ثابت کند که متهم مجرم است و اگر تردیدی وجود داشته باشد متهم باید بی گناه تلقی شود. بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق بی گناه شمرده شدن را برای افراد پیش‌بینی می‌کند.

در قانون اساسی ایران در اصل ۳۷ درباره اصل برائت این گونه آمده است: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». این یک اصل کلی و عام است که بنا را بر مجرم نبودن قرار داده است؛ مگر جرم فرد در دادگاه صالح اثبات شود.

اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است تا زمان صدور حکم قطعی محکومیت بی گناه شناخته شود. (ابراهیمی، همان، ۱۳۹). در اینجا پرسشی که پیش می‌آید آن است که چه زمانی فرض بی گناهی قابل استناد است؟ آیا به محض مظنون شدن شخص امکان برخورداری او از آن وجود خواهد داشت یا آنکه تنها شامل حال متهم می‌شود؟ و آیا این حق مربوط به مرحله بدوی است یا به مرحله تجدیدنظر هم راه می‌یابد؟ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید تا زمانی که محکومیت فرد نهایی و الزامی نشده است، مشمول اصل برائت می‌شود؛ بنابراین برخورداری از این حق تا مرحله تجدیدنظر ادامه دارد.

با توجه به آنچه که درباره اصل برائت توضیح داده شد مشخص می‌شود که رعایت این اصل از مرحله مقدماتی تحقیق و تا پایان مرحله تجدیدنظرخواهی بسیار مهم است.

با وجود تصریح قانون اساسی و نیز قوانین موضوعه ایران به این اصل، در پاره‌ای از قوانین نظام‌های حرفه‌ای از جمله قوانین نظام مهندسی، اتحادیه‌های صنفی، کانون وکلا و

کانون سردفتران و دفترباران، در خصوص اصل برائت که از اصول بدیهی حقوقی به‌شمار می‌رود، تصریحی مشاهده نمی‌شود که جای تأمل دارد.

بنابراین، عدم تصریح به اصل برائت در قوانین نظام‌های حرفه‌ای موجب شده است که این قوانین نسبت به اعضای متخلف خود گاهی برخوردی خارج از موازین انصاف داشته باشند. برای مثال، ماده ۷۲ قانون نظام صنفی با این بیان که «... در صورت احراز عدم تخلف صنفی یا انصراف شاکی با اعلام مراتب، پرونده را مختومه نمایند»، در این ماده باید عدم تخلف احراز شود، و نه اینکه وقوع تخلف محرز گردد. شایسته بود که به‌جای «احراز عدم تخلف»، «عدم احراز تخلف» نگاشته می‌شد.

اصل برائت در پاره‌ای از قوانین رسیدگی به تخلفات اعضای نظام‌های حرفه‌ای، جز در آئین‌نامه نظام پزشکی، در سایر قوانین به‌صراحت بیان نشده و حتی به‌طور مبهم نیز در قوانین نیامده است. ماده ۳۳ قانون نظام پزشکی و زیرشاخه‌های آن (پرستاری، مامایی، دندانپزشکی و ...) بیان می‌کند: «در صورتی که دادسرا به علت عدم وقوع تخلف یا فقدان دلیل نظر به منع تعقیب داشته باشد و در صورت موافقت دادستان منع تعقیب صادر و مراتب را با تذکر حق شکایت به شاکی یا مرجع اعلام تخلف اعلام می‌نماید».

این ماده چیزی درباره اصل برائت بیان نمی‌کند، اما آئین‌نامه همین قانون در باب دوم فصل سوم درباره نحوه رسیدگی هیئت بدوی انتظامی ماده ۵۳ بند «ه» این‌چنین بیان کرده است: «چنانچه هیأت معتقد باشد دلایل ابرازی برای احراز تخلف کفایت نداشته یا تخلف انتسابی به فرض صحت، تخلف نیست بدون لزوم تعیین وقت، حکم به برائت می‌دهد». این ماده به‌صراحت بیان می‌کند که اگر تخلف منتسب به متخلف نباشد یا عملش تخلف نباشد، حکم به برائت صادر می‌شود.

در قانون نظام دامپزشکی نیز صحتی از اصل برائت نشده، اما در تبصره ۲ ماده ۱۱ مطرح شده است که «چنانچه هیئت بدوی انتظامی پرونده را غیر قابل رسیدگی تشخیص و مبادرت به صدور رأی بر عدم تخلف و یا برائت متهم نماید، مراتب حسب مورد به شاکی ابلاغ و وی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، درخواست تجدیدنظر خود را به هیئت عالی انتظامی ارایه نماید».

در آئین‌نامه قانون صنعت و معدن ماده ۷۹ و همچنین در ماده ۸۷ آئین‌نامه نظام مهندسی و کنترل ساختمان آمده است: «شورای انتظامی استان ملزم است به شکایات واصل شده رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد نداند ... نظر به رد شکایت ... داده می‌شود». در این دو ماده آمده که اگر شکایت را وارد ندانند شکایت می‌کنند و سخنی از اصل برائت به میان نیامده است. اما می‌توان از کلمه رد شکایت اصل برائت را استنتاج نمود. ولی در کل نه در قانون و نه در آئین‌نامه صنعت و معدن و نظام مهندسی به صراحت اصل برائت بیان نشده است.

با توجه به توضیحاتی که بیان گردید، جز در آئین‌نامه نظام پزشکی و نظام دامپزشکی که به اصل برائت اشاره شده، در قوانین سایر نظام‌های حرفه‌ای، اصل برائت به روشنی نیامده است؛ هرچند در بعضی قوانین می‌توان این اصل را از مواد آن استنباط نمود.

۲.۳. اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل قانونی بودن تخلف و تنبیهات)

این اصل میراث فکری چزاره بکاربا، از پیشوایان مکتب کلاسیک، و بنیادی‌ترین اصل در حقوق کیفری مدرن است. در این راستا، جرم، مجازات و مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به این موارد باید بر پایه قانون تعیین شوند. این اصل که خود جلوه مهم و اثرگذاری از اصل حاکمیت قانون است، در حقوق اداری نیز به ضرورت تعیین تخلفات، ضمانت اجراها و نیز مراجع شبه قضایی و یا اختصاصی اداری در هریک از نظام‌های حرفه‌ای بر پایه قانون اشاره دارد.

در رسیدگی به تخلفات اعضای نظام‌های حرفه‌ای، از جرم با عنوان تخلف و از مجرم با عنوان متخلف و از مجازات‌ها با عنوان تنبیهات تعبیر می‌شود. تعریف جرم با تخلف مقداری متفاوت است. تخلف عبارت است از: تخطی و نقض افراد یک صنف، حرفه و یا شغل از مقررات و نظاماتی که جهت حفظ شئون و سلامت افراد آن صنف یا حرفه در نظر گرفته می‌شود؛ همانند صنف وکلا و صنف سردفتران (الهی منش، ۱۳۹۳، ۱۳۳). در تعریف دیگری از تخلف اینطور بیان شده است: تخلف انتظامی تعریف خاصی در قوانین ندارد، ولی نقض مقررات صنفی به وسیله یکی از اعضای صنف مانند تخلف قاضی، وکیل، کارشناس، سردفتر و دفتربار را جرم انضباطی و تقصیر انضباطی هم گفته‌اند (باری، ۱۳۹۳، ۱۲۱).

بنابراین تخلف، مربوط به اعضای یک صنف و گروه و وظایف مربوط به آنها است. البته گاهی ممکن است مواردی یافت شود که هم جزء تخلف باشد و هم جرم، اما علاوه بر شباهت، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند.

آنچه که باعث فاصله گرفتن از اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌شود شناسایی تخلف از جانب مقررات دولتی است. در این اصل عنصر مادی و معنوی ضروری است، ولی در تخلفات و مقررات انضباطی عنصر معنوی ضرورتی ندارد. صرف انجام ارادی عمل و ارتکاب آن برای تحقق تخلف کافی است. گران‌فروشی صرف نظر از ماهیت و انگیزه شخص مرتکب، تخلف صنفی محسوب می‌شود. با این حال، احراز سوءنیت و قصد مرتکب کار مشکلی است و باید مبتنی بر دلایل روشن و آشکاری باشد (هداوند، ۱۳۹۰، ۳۹).

اکنون لازم است، اصل تخلف و تنبیهات در قوانین نظام‌های حرفه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. در نظام پزشکی، نظام مهندسی، سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سازمان روان‌شناسی و مشاوران، کانون وکلا، کانون سردفتران و دفتریاران، و نیز اتحادیه صنفی تعریفی از تخلف ارائه نشده، اما آئین‌نامه قانون نظام مهندسی معدن در ماده ۸۳ تخلف را تعریف کرده و این درحالی است که در قانون نظام مهندسی معدن تعریفی از تخلف نشده است.

در ماده ۸۳ آئین‌نامه نظام مهندسی معدن آمده است: «تخلفات انضباطی و حرفه‌ای عبارت از تخلف در اموری است که انجام آن ناشی از پروانه اشتغال موضوع قانون یا عضویت در سازمان استان باشد. تخلف انضباطی و حرفه‌ای و انطباق آنها با مجازات‌های انتظامی به شرح زیر است: ...».

در ماده ۳ بند «و» قانون نظام پزشکی آمده است: تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه پزشکی که عنوان جرایم عمومی نداشته باشند، در نظام پزشکی رسیدگی می‌شوند. همچنین در ماده ۲۸ قانون نظام پزشکی مراجع رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان پزشکی و در تبصره همین ماده عناوین تخلفات مشخص شده است. در بندهای این تبصره تنبیهات متخلفان از این ماده مشخص شده، اما تخلفات را به‌طور واضح طبقه‌بندی نکرده است و فقط در تبصره بیان شده است: عدم رعایت موازین شرعی و قانونی

و مقررات صنفی و حرفه‌ای و شغلی و سهیل‌انگاری در انجام وظایف قانونی به‌وسیله شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب، و متخلفان با توجه به شدت و ضعف عمل ارتكابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند و همچنین در بندهای تبصره فقط تنبیهات را طبقه‌بندی کرده و مشخص نشده هر تنبیهی مربوط به چه تخلفی است.

در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۸۶ آئین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای پزشکان به تصویب رسید. مواد ۲ تا ۳۵ این آئین‌نامه تخلفات را مشخص کرده و فصل دوم همین آئین‌نامه مجازات‌های انتظامی (تنبیهات) را که در قانون نظام پزشکی در ماده ۲۸ وجود داشته، در ماده ۳۷ این آئین‌نامه آورده که بندهای ماده ۲۸ قانون مربوط به کدام تخلف است.

جرایم پزشکی را می‌توان با تخلفات انضباطی یکی دانست؛ یعنی آنچه در جرایم پزشکی آمده است در تخلفات انتظامی هم وجود دارد، اما این دو باهم تفاوت‌هایی دارند که عبارت‌اند از:

اساس تخلفات انتظامی پزشکان قراردادی است؛ یعنی کسی که به این حرفه اشتغال می‌یابد از قبل توافق می‌کند که مقررات آن را رعایت نماید و اگر رعایت نکند و مورد احترام قرار ندهد در معرض مجازات قرار می‌گیرد. اصل قانونی بودن جرم نسبت به مقررات انتظامی نظام پزشکی اعمال نمی‌شود، اما در جرایم پزشکی اعمال می‌شود؛ یعنی هر عملی که برخلاف شئون جامعه پزشکی محسوب شود، قابل مجازات است و این اعمال از قبل پیش‌بینی‌پذیر نیستند. دلایلی را که برای مسئولیت جزایی یک پزشک در دادگاه ارائه می‌شود و ممکن است مورد قبول دادگاه قرار نگیرد، می‌توان در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات انتظامی استفاده کرد.

ضمانت اجرای جرایم پزشکی در قانون مجازات پیش‌بینی شده، اما ضمانت اجرای تخلفات انتظامی پزشکان در قوانین سازمان نظام پزشکی و آئین‌نامه مربوط به آن پیش‌بینی شده است.

رسیدگی به تخلفات انتظامی پزشکی در دادسرا و هیئت‌های خاصی است که در نظام

پزشکی هر شهرستان تشکیل می‌شوند، ولی جرایم پزشکی از سوی دادسراها و محاکم جزایی و با استناد به قوانین و تبعیت از قانون آئین دادرسی کیفری تعیین می‌گردند (آموزگار، ۱۳۸۸، ۱۸۵).

تعیین قواعد مربوط به جرم و مسئولیت جزایی، جز از طریق استناد به قوانینی که از سوی قوه مقننه وضع می‌شود، ممکن نیست؛ درحالی که خطا و مسئولیت انتظامی با اجازه قانون‌گذار به موجب مصوبات قوه مجریه (نظیر تصویب‌نامه، آئین‌نامه، نظام‌نامه و بخشنامه) تعیین می‌شود که در اکثر موارد محتاج به تشریفات خاصی نیست. همچنین این مقررات همیشه در معرض تغییر و تحول بوده، مقام بالاتر می‌تواند با اتخاذ تصمیم جدیدی آن‌ها را نسخ نماید. در صورتی که نسخ قوانین جزایی به سهولت امکان‌پذیر نیست و فقط از طریق تصمیم قانون‌گذار میسر خواهد بود (الهی‌منش، همان، ۱۳۵).

در قانون نظام مهندسی تعریفی از تخلف ارائه نشده است. همچنین در این قانون به تخلفات و تنبیهات نیز اشاره صریحی نشده و در ماده ۱۱۷ این قانون آمده است که چگونگی رسیدگی به تخلفات و طرز تعقیب و تعیین مجازات‌های انضباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی نظام مهندسی در آئین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود.

در ماده ۹۰ آئین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی نیز مجازات‌ها تا درجه ۶ طبقه‌بندی شده و در ماده ۹۱، مجازات‌ها با درجه آن‌ها در ۱۹ بند آمده است.

همچنین در قانون نظام مهندسی ماده ۲۸ بیان می‌شود: ظرف ۶ ماه از زمان ابلاغ این قانون ضوابط، مقررات و تشکیلات حرفه‌ای مناسب برای کاردان‌های فنی شاغل در رشته‌ها و حرفه‌های موضوع این قانون را در قالب آئین‌نامه‌ای تدوین و برای تصویب به هیئت وزیران پیشنهاد نماید.

طبق ماده ۳۲ آئین‌نامه اجرایی نظام مهندسی نیز مرجع و نحوه رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای و انضباطی دارندگان پروانه اشتغال به کار کردانی و تجربی مانند دارندگان پروانه اشتغال به کار مهندسی است، لکن پس از تأسیس تشکیلات حرفه‌های مربوط، شورای انتظامی استان و مرجع تجدیدنظر با همکاری و هماهنگی تشکیلات یادشده اقدام خواهند کرد.

نکته حائز اهمیت آن است که به منظور مقابله با گسترده بودن تفسیر مواد قانون از سوی شورای انتظامی و جلوگیری از تعبیرهای گوناگون از عناوین متخلفانه و بنابر اصل مسلم حقوقی قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تخلفات به صراحت باید از سوی قانون‌گذار روشن شود (هداوند، ۱۳۹۰، ۶۸)؛ امری که در قوانین مورد بررسی ما مشاهده نمی‌شود.

در ماده ۹۱ آئین‌نامه پیشین بند «ع» بیان شده است: انجام هر عملی که به موجب آئین‌نامه‌های داخلی نظام مهندسی استان مربوط مخالف شئون حرفه‌ها بوده، موجب خدشه‌دار شدن حیثیت نظام مهندسی استان شود، از درجه ۱ تا ۴ مجازات می‌شود که این در راستای تحقق بخشیدن به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. هرچند بند یادشده به اصل قانونی بودن اشاره دارد، اما همان‌طور که گفته شد تخلفات و تنبیهات باید به صراحت از سوی قانون‌گذار روشن شود.

افزون بر این، در قانون وکالت برخی از جرایمی که ممکن است شامل وکلا بشود آمده است. اما بعضی از این مواد نسخ شده و در آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مورد بازنگری قرار گرفته است. آئین‌نامه استقلال کانون وکلا برای جرایمی که در قانون وکالت مشخص شده، مجازات‌هایی را تعیین نموده است. اصل قانونی بودن جرم در جرایمی که از طرف قانون‌گذار در قانون وکالت مشخص شده است وجود دارد، ولی در آئین‌نامه آن، اصل قانونی بودن مراعات نشده است. تغییر قانون به راحتی ممکن نیست، ولی آئین‌نامه را می‌توان به آسانی تغییر داد. مواد ۲۸ تا ۴۵ قانون وکالت مربوط به وظایف وکلا است و مواد ۷۸ تا ۸۳ آئین‌نامه نیز تخلفات را همراه با درجه آن‌ها مشخص کرده است. در ماده ۷۶ آئین‌نامه فقط مجازات‌ها نام برده شده است.

ماده ۱۹ قانون نظام دامپزشکی نیز از بند «الف» تا «ح» مجازات‌هایی را که افراد متخلف عضو این سازمان مرتکب می‌شوند مشخص نموده، اما نوع تخلف را تعیین نکرده است. در آئین‌نامه قانون نظام دامپزشکی و در ماده ۳ مجازات‌هایی را که شامل افراد عضو این نظام می‌شوند بیان داشته و ماده ۵ این آئین‌نامه انواع تخلف صنفی و حرفه‌ای دامپزشکی را مشخص کرده است. ماده ۲۰ آئین‌نامه مجازات‌هایی را که به اعضای متخلف این سازمان تعلق می‌گیرد بیان کرده و در ماده ۲۱ آئین‌نامه مشخص شده است که برای هر

تخلف چه مجازاتی را باید اعمال کرد. از این منظر قانون نظام دامپزشکی حائز صراحت بیشتری از قانون وکالت است.

قانون‌گذار در ماده ۳۸ قانون سردفتران و دفتریاران مجازات‌های انتظامی را مشخص کرده است که نشان‌دهنده مراعات اصل قانونی بودن مجازات‌ها است. در این قانون از ماده ۴۲ تا ۴۴ جرایم مشخص شده است و از ماده ۴۴ به بعد طریق اجرای مجازات‌ها بیان می‌شود. شایان ذکر است در اصلاح این قانون که در سال ۱۳۹۱ ش انجام شد در ماده ۳۸ قانون که انواع مجازات‌ها بود تغییراتی ایجاد شد و تعداد مجازات‌ها افزایش یافت.

در خصوص رعایت این اصل در ماده ۲۵ قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و ماده ۱۹ قانون سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره نیز ضوابطی بیان شده است.

شایان ذکر است تخلفاتی که در قانون نظام صنفی کشور آمده، از سوی مجلس قانون‌گذاری شده است؛ یعنی تخلفاتی در قانون مشخص شده است- نه مانند سایر نهادها در آئین‌نامه- و این از لحاظ رعایت اصل بنیادین حکومت قانون قابل توجه است. مواد ۵۷ تا ۷۰ این قانون تخلفات و مجازات‌های لازم را مشخص کرده که اصلاحیه همین قانون به‌عنوان اصلاح قانون نظام صنفی کشور در سال ۱۳۹۳ ش از سوی مجلس تصویب شده است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته روشن می‌شود که اصل قانونی بودن جرم و مجازات (تخلفات و تنبیهات) در قوانین همه نظام‌ها وجود ندارد، زیرا در بعضی نظام‌ها، تخلفات و تنبیهات در آئین‌نامه تصویب شده است؛ درحالی که باید در قانون مراعات شود.

البته با توضیحاتی که درباره هریک از نظام‌های حرفه‌ای و قوانین و آئین‌نامه‌های آن‌ها داده شد، مشخص می‌شود که اصل قانونی بودن مجازات نیز به‌مانند اصل قانونی بودن جرم باید در قانون مشخص شود. عدم تعیین مجازات در قانون باعث می‌شود که مراجع رسیدگی‌کننده سلیقه‌های شخصی خود را در تعیین مجازات و اجرای آن وارد کنند. آئین‌نامه‌ها تکمیل‌کننده قوانین هر نظام محسوب می‌شوند و جرم و مجازات باید در خود قانون و از سوی مقنن، قانون‌گذاری شود.

۳.۳. اصل منع محاکمه یا مجازات مضاعف

یکی از اصول مهم در قلمرو دادرسی منصفانه را باید اصل منع محاکمه و یا مجازات مضاعف دانست که اگرچه در نظام حقوقی کشورمان استثناهایی نیز بر آن مقرر شده است، اما به عنوان یکی از اصول مهم ماهوی دادرسی منصفانه شناخته می‌شود. به موجب این قاعده هیچ‌کس را نمی‌توان برای ارتکاب یک جرم که به صدور حکم قطعی اعم از محکومیت یا برائت منجر شده است دوباره تحت تعقیب و محاکمه قرار داد (آبانگاه و همکاران، ۱۳۹۸، ۸۰۲). عدالت حکم می‌کند که مجرم یا متخلف برای یک جرم ۲ بار مجازات نشود که این یک اصل خدشه‌ناپذیر است. اصل منع مجازات دوباره در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است.

قوانین و آئین دادرسی ممنوعیت منع محاکمه مضاعف پس از قطعی شدن حکم محکومیت و یا تبرئه شدن بر اساس قوانین دولت یادشده اعمال می‌شود. یعنی باید زمان تجدیدنظرخواهی و زمان مراجعه به مراجع قضایی و درکل تمام رسیدگی‌های قضایی منقضی شده باشد. ولی باید گفته شود که ممنوعیت منع محاکمه مضاعف باعث انجام محاکمه جدید در یک حوزه قضایی دیگر نمی‌شود، وقتی که فرد در یک دادگاه عمومی تخصصی محاکمه شد می‌توان وی را در یک دادگاه اختصاصی مربوط به یک نهاد و سازمان دیگر نیز مورد محاکمه قرار داد.

اصل ممنوعیت مجازات مضاعف مانع مفتوح شدن دوباره پرونده یا رسیدگی جدید- در صورتی که اشتباه قضایی صورت گرفته باشد- نمی‌شود. البته باید بین باز شدن پرونده برای همان عمل مورد محاکمه و رسیدگی جدید قضایی که در شرایط استثنایی صورت می‌گیرد، تمایز قائل شد.

گاهی بعضی از جرایم از سوی اعضای نظام‌های حرفه‌ای ممکن است هم جرم محسوب شود و هم تخلف. حال پرسش این است آیا می‌توان شخص را هم از لحاظ جرم کیفری مورد مجازات قرارداد و هم از لحاظ تخلف او را تنبیه کرد؟

به دلیل اینکه مجازات‌های جنایی با مجازات‌های تأدیبی متفاوت‌اند و مجازات‌های تأدیبی عموماً در قوانین جنایی وجود ندارند، از این رو مغایرت دو مجازات و دو فعل ایجاب می‌کند که متخلف نسبت به یک فعل در صورتی که عملش جرم تأدیبی شمرده شود، دوباره محاکمه گردد و اجرای یکی از این دو مجازات مانع اجرای مجازات دیگر نمی‌شود. همچنان تبریئه متخلف در یکی از دو محاکمه مانع از ادامه محاکمه دوم نمی‌گردد. دلیل قانون‌گذاران قوانین عرفی در این باره این است که مقصود از محاکمه تأدیبی، حمایت از حرفه و شغل است و هدف از محاکمه جنایی، حمایت از جامعه (ابراهیمی، همان، ۱۵۹). در همین زمینه ماده ۱۶ قانون نظام مهندسی معدن در خصوص چگونگی رسیدگی به تخلفات و طرز تعقیب و تعیین مجازات‌های انضباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی، در آئین‌نامه اجرایی این قانون ضوابطی دارد. ماده ۷۷ آئین‌نامه این قانون بیان می‌کند: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که در مورد هریک از اعضای سازمان استان یا دارنده پروانه اشتغال شکایتی در مورد تخلفات انضباطی انتظامی و یا حرفه‌ای وی داشته باشد می‌تواند شکایت خود را به‌طور کتبی و با درج مشخصات و شرح تخلف مورد ادعا به انضمام اسناد و مدارک مربوط به دبیرخانه سازمان استان ارسال یا تحویل نماید». این ماده بیان می‌کند که دبیرخانه سازمان به تخلفاتی که انضباطی و انتظامی باشد رسیدگی می‌کند. در مورد جرایم کیفری که در صلاحیت مراجع قضایی است فرد متخلف باید در مراجع کیفری مجازات شود.

اگر یکی از اعضای نظام مهندسی عملی را انجام دهد که جرم کیفری و تخلفات انضباطی و انتظامی را توأمان دربر گیرد، برای آن یک جرم، هم باید در سازمان نظام مهندسی پاسخگو باشد و هم ممکن است در مراجع کیفری مجازات شود. ماده ۸۰ همین آئین‌نامه بیان می‌کند: «طرح و رسیدگی به شکایت در مراجع قضایی مانع از رسیدگی در شورای انتظامی استان و اعمال مجازات‌های انضباطی و حرفه‌ای مندرج در این آئین‌نامه نخواهد بود». با توضیحی که داده شد باید گفت طرح شکایت در هریک از شورای انتظامی و مراجع قضایی مانع رسیدگی به محاکمه و مجازات در مرجع دیگر نمی‌شود.

در ماده ۱۴ آئین‌نامه نظام دامپزشکی نیز آمده است که در صورتی که تخلف عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را داشته باشد برابر ماده ۲۶ قانون سازمان نظام دامپزشکی اقدام خواهد شد. در ماده ۲۶ قانون دامپزشکی آمده است: «هرگاه تخلف افراد موضوع این

قانون عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزائی را نیز داشته باشد، هیأت‌های انتظامی مکلفند تصویر تأییدشده پرونده مربوط را به مراجع قضایی ذیصلاح ارسال کنند. رسیدگی در مراجع قضایی مانع رسیدگی هیأت‌های انتظامی از حیث تخلف صنفی و حرفه‌ای مشمولان این قانون نیست». در این ماده بیان شده است که اگر فرد مرتکب تخلفی شود و مجازات کیفری داشته باشد باید در دادگاه جزایی به آن رسیدگی شود و اگر عمل انجام‌شده در صلاحیت رسیدگی مرجع انتظامی نظام دامپزشکی باشد در هر دو مرجع رسیدگی می‌شود و رسیدگی در یک مرجع مانع رسیدگی در مرجع دیگر نیست.

در قانون سردفتران و دفتریاران نیز در قسمت پایانی ماده ۲۲ آمده است: «دعاوی مربوط به خسارت ناشی از تخلفات سردفتران و دفتریاران تابع قوانین و مقررات عمومی خواهد بود». یعنی اگر سردفتر و یا دفتریار تخلفی انجام دهد که از این تخلف خسارتی به شخص ذی‌نفع وارد شود بر اساس مقررات عمومی باید به تخلفات رسیدگی شود و سردفتر یا دفتریار باید جبران خسارت کند و در ماده ۳۲ همین قانون بیان می‌کند که «رسیدگی مقدماتی مربوط به شکایات و گزارش‌های مربوط به تخلفات سردفتران و دفتریاران در اداره امور اسناد سازمان ثبت رسیدگی می‌شود که اداره مزبور پس از رسیدگی، موضوع را با اظهارنظر خود به دادرسی انتظامی سردفتران احاله می‌نماید».

مشخص می‌شود که شکایت از سردفتران و دفتریاران اگر مربوط به جبران خسارت باشد باید طبق مقررات عمومی صورت گیرد و اگر مربوط به تخلفات انضباطی سردفتر یا دفتریار باشد باید در اداره امور اسناد سازمان ثبت که خود به دادگاه بدوی و تجدیدنظر تبدیل می‌شود، رسیدگی شود. به عبارت دیگر، محاکمه سردفتران در مراجع عمومی قضایی مانع محاکمه او در مراجع انتظامی نمی‌شود.

همچنین ماده ۷۲ قانون نظام صنفی نشان می‌دهد که تخلفات اعضای اتحادیه‌های صنفی تابع قانون صنفی است، بر اساس آن محاکمه و مجازات می‌شوند و در قانون چیزی در خصوص اینکه افراد ممکن است بر اساس قانون دیگری مجازات شوند نیامده است. ولی درباره رفتارهای اعضای اتحادیه صنفی که هم‌زمان واجد عناوین جرم و نیز تخلف باشد بیان نشده است که آیا باید براساس هر دو قانون مجازات شوند یا نه؟

ماده ۲۲ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری اشعار می‌دارد: «هرگاه تخلف کارشناسان رسمی عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین را داشته باشد، دادسرای انتظامی کانون مربوط مکلف است مراتب را برای رسیدگی به جنبه جزائی آن در اسرع وقت به مراجع قضایی صالح اعلام دارد و چنانچه علاوه بر جرائم مزبور تخلف انتظامی داشته باشد، مطابق این قانون و آئین‌نامه‌های آن به تخلف انتظامی رسیدگی و اقدام لازم معمول دارد. تصمیم مراجع قضایی مزبور مانع اجرای مجازات‌های انتظامی کارشناسان رسمی نخواهد بود». این ماده به‌طور صریح بیان می‌کند که طرح شکایت در مراجع قضایی مانع از مجازات انتظامی کارشناسان نمی‌شود. به عبارتی، این قاعده اصل منع مجازات مضاعف را رعایت نمی‌کند، چون در منع محاکمه مضاعف، یک فرد فقط یکبار مجازات می‌شود، درحالی که این ماده بیان می‌کند هم قابل مجازات و محاکمه در مراجع قضایی برای جرم جزایی است و هم قابل مجازات و محاکمه در دادگاه انتظامی برای تخلف انتظامی است.

همچنین در تبصره ۲ ماده ۲۶ آمده است که اعمال ارتكابی کارشناس، چنانچه علاوه بر تخلف انتظامی، واجد وصف کیفری باشد، دادگاه انتظامی مکلف است پرونده امر را عیناً به مرجع قضایی صلاحیت‌دار ارسال نماید.

قانون نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی نیز در ماده ۳۱ بیان می‌کند که «هرگاه تخلف افراد موضوع این قانون عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزائی را نیز داشته باشد، هیأت‌های انتظامی مکلفند تصویر تأییدشده پرونده مربوط را به مراجع قضائی ذی‌صلاح ارسال کنند. رسیدگی در مراجع قضایی مانع از رسیدگی هیأت‌های انتظامی از حیث تخلف صنفی و حرفه‌ای مشمولان این قانون نیست». در این ماده هم مشخص شده است رسیدگی در مراجع قضایی مانع رسیدگی در هیأت‌های انتظامی نخواهد بود.

در بند ۳ ماده ۳ قانون سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره آمده که یکی از وظایف و اختیارات این سازمان، «نظارت بر کیفیت کار تخصصی و رسیدگی به تخلفات تخصصی روان‌شناسان و مشاوران که عنوان جرایم عمومی را نداشته باشند از طریق هیأت رسیدگی به تخلفات صنفی و مطابق تبصره ماده (۱۹) و ماده (۲۰) این قانون» است. اگر عملی که مشاور یا روان‌شناس انجام می‌دهد جرم باشد باید در مراجع قضایی رسیدگی شود؛ چون در

این بند گفته شده است اگر عنوان جرایم عمومی را نداشته باشد و جرم نباشد، تخلف محسوب می‌شود و باید در هیئت رسیدگی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره رسیدگی شود.

در آئین‌نامه قانون نظام پزشکی و در فصل سوم اقدامات دادسرا پس از خاتمه تحقیقات در تبصره ماده ۳۷ درباره منع محاکمه چیزی بیان نشده، اما استنباطی که از این تبصره می‌شود این است که اگر پرونده برای رسیدگی به جرم کیفری به مرجع صلاحیت‌دار ارجاع داده شود، در صورتی که نیاز به رسیدگی صنفی داشته باشد در دادگاه انتظامی نظام پزشکی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رسیدگی در مراجع قضایی مانع از رسیدگی در مراجع انتظامی نخواهد بود. تبصره این ماده بیان می‌کند: «رسیدگی و اقدامات مراجع قضایی در هر حال مانع رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای متخلفان در دادسراها و هیأت‌های انتظامی نمی‌شود» که این امر با منع مجازات مضاعف منافات دارد.

با توضیحاتی که ارائه شد، معلوم می‌شود که این اصل با توجه به قوانین نظام‌های حرفه‌ای رعایت نشده است. چون همه قوانین خواستار محاکمه دوباره هم در هیئت‌های انتظامی نظام‌های حرفه‌ای و هم در دادگاه‌ها بودند که این با اصل منع مجازات مضاعف منافات دارد؛ مگر آنکه این وضعیت را این‌گونه توجیه نماییم که یک مجازات ناشی از جرم و یک تنبیه ناشی از تخلف است و آن را مجازات مضاعف محسوب نکنیم. البته در قوانین نظام صنفی مجازات و محاکمه متخلف را فقط در اتحادیه مورد توجه قرار داده‌اند و این می‌تواند نمونه‌ای از منع محاکمه یا مجازات مضاعف باشد.

۴. آسیب‌شناسی رعایت قواعد ماهوی اصول دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای

پس از مطالعه قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای، اینک لازم است تا به آسیب‌شناسی این قواعد پرداخته شود.

۱.۴. آسیب‌شناسی تقنینی

به‌طور کلی مطالعه نظام‌های حرفه‌ای نشان می‌دهد که مؤلفه‌های گوناگون قانون‌گذاری در آن‌ها تا حدود زیادی رعایت شده است. در واقع، در دوران چیرگی اصل حاکمیت قانون نیز

جز این انتظار نمی‌رود که افزون بر قوانین موضوعه، مقررات مربوط به نظام‌های حرفه‌ای نیز از یک سو جایگاه مهمی را در روند انتظام‌بخشی به صنف خود داشته، از سوی دیگر بایسته‌ها یا بدیهیات قانون‌گذاری در آن‌ها رعایت شود.

با وجود این به نظر می‌رسد که به دلیل روند فزاینده پیچیدگی‌های هر صنف یا حرفه، نمی‌توان انتظار داشت که فهرست پیش‌بینی‌شده از هریک از تخلفات صنفی و حرفه‌ای در مقررات مربوطه همچنان جامع ارزیابی شود.

بنابراین لازم است که با رعایت اصل ثبات در قاعده‌گذاری حقوقی، در فرصت‌های منظم در مقررات پیش‌گفته بازنگری کرد و به این منظور در هنگام تصویب هر قانون صنفی، سازوکار منسجم و آزموده‌ای را برای بازنگری در آن پیش‌بینی نمود. در این صورت می‌توان انتظار داشت که سنجه دادرسی منصفانه در این مقررات تا اندازه بسیاری تحقق یابد.

۲.۴. آسیب‌شناسی از چشم‌انداز دادرسی

با آنکه حقوق شکلی بسیار بیشتر از حقوق ماهوی آوردگاه پدیداری ارزش‌های گوناگون انسانی است، اما به نظر می‌رسد که در سازه‌های دادرسی مقررات صنفی، ضرورت رعایت قواعد ماهوی دادرسی منصفانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

به عبارتی، با آنکه برای نمونه، قانون‌گذار کیفری ایران مواد قانون آئین دادرسی کیفری را به دو دسته اصول راهبردی و نیز مواد فنی تقسیم کرده و ضرورت اجرای مقررات دسته دوم را بر پایه اصول راهبردی خاطرنشان نموده و حتی ضمانت اجراهای مهمی را نیز برای آن‌ها پیش‌بینی کرده، اما با مطالعه مقررات نظام‌های حرفه‌ای و صنفی می‌توان دریافت که این مهم در آن‌ها رعایت نشده است.

به سخن دیگر، در این مقررات به دلیل ضرورت اولویت بخشیدن به انتظامات حرفه‌ای بر بایسته‌های آرمان‌هایی همانند دادرسی منصفانه، حقوق ماهوی به تفضیل بیان شده، حال آنکه لزوم ابتدای دادرسی در مراجع شبه قضایی مربوطه بر قواعد ماهوی دادرسی منصفانه مورد تأکید قرار نگرفته است.

بنابراین لازم است که برای پیشبرد و پررنگ ساختن رعایت قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در هریک از نظام‌های حرفه‌ای، به‌ویژه در بازنگری‌های آتی، واضعان مقررات مربوطه بر بایسته‌های دادرسی منصفانه به‌گونه‌ای آشکار تأکید نموده، ضمانت اجراهای ویژه‌ای را در این راستا بیان کنند.

۵. مراجع شبه قضایی و اصول قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در پرتو قضا‌زدایی

همان‌گونه که در آغاز این نوشتار نیز گفته شد، مقررات نظام‌های حرفه‌ای افزون بر بیان چگونگی طرز کار هر صنف، تخلفات احتمالی اعضا و نیز ضمانت اجراهای آن را نیز بیان می‌کنند. رسیدگی به این موارد در مراجع شبه قضایی انجام می‌شود.

مناسب‌ترین راه برای آسیب‌شناسی پیاده‌سازی قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای، ارزیابی عملکرد مراجع شبه قضایی در این باره است؛ چراکه پیاده‌سازی قوانین در عمل تفاوت‌های مهمی را با چهره نظری خود دارد.

پیش‌تر نیز گفته شد که نظام‌های حرفه‌ای و صنفی به اداره امور اصناف گوناگون می‌پردازند. پیدایش اختلافات و یا ارتکاب تخلفات در میان صنوف یکی از واقعیت‌های مهم است. برای رسیدگی به این امور، مراجع شبه قضایی گوناگونی پیش‌بینی شده‌اند که در چارچوب قوانین مربوطه به تخلفات رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌نمایند. در ایران نزدیک به هفتاد مرجع شبه قضایی وجود دارد که آرای آن‌ها قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری است. مراجع شبه قضایی مراجعی هستند که در چارچوب قوه مجریه در نهادهای سازنده آن برای رسیدگی به اختلافات و شکایات شهروندان از آن نهادها تشکیل می‌شوند.

پیش‌بینی صلاحیت برای این مراجع در چارچوب روند قضا‌زدایی یا انحراف از دادرسی قرار می‌گیرد. با توجه به مبانی شناخته‌شده دادرسی منصفانه که پیش‌تر به آن‌ها پرداخته شد، رسیدگی‌های مراجع شبه قضایی نیز اگرچه در چارچوب روند قضا‌زدایی و در نقطه متقابل «گرد هم آوردن رسیدگی در مراجع قضایی» جای می‌گیرند، باید همانند رسیدگی در مراجع قضایی بر پایه معیارهای دادرسی منصفانه انجام شوند.

به‌طور کلی با وجود عدم تصریح قوانین کشورمان به رعایت دادرسی عادلانه، به آرای گوناگونی در شعب دیوان عدالت اداری پرداخته شده که نشان‌دهنده لزوم تمکین مراجع شبه قضایی از دیوان و توجه به بایسته‌های این سنجه مهم در آرا است. برای نمونه، شعبه ۱۴ بدوی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۰۴۶۰ به تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «...شعبه رسیدگی کننده می‌بایست جهت کشف حقیقت و درستی اظهارات شاکی از مرجع صالح استعلام می‌نمود و اتکاء صرف به اظهارات طرف شکایت در پرونده و صدور رأی بر مبنای آن با فلسفه دادرسی عادلانه منافات دارد» (عبداللہیان و رفیعی، ۱۳۹۷، ۱۲۷).

با وجود این، مطالعه روند عملکرد دست‌کم شماری از مراجع شبه قضایی در زمینه پاسداشت اصول دادرسی منصفانه چندان امیدوارکننده نیست. برای نمونه، تطبیق زیرمجموعه دادرسی منصفانه با مقررات و رویه حاکم بر هیئت نظارت (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فنی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) در مجموع وضعیت قابل دفاعی را به دست نمی‌دهد. اگر غایت دادرسی منصفانه را تحول در حکمرانی بدانیم، بر این اساس، مفهوم حداکثری آن مطلوب و مد نظر است. در این مفهوم روند اعمال حاکمیت از حالت تصمیم‌گیری به حالت تصمیم‌سازی تبدیل شده، شهروندان با مشارکت در مراحل تصمیم‌گیری، سرانجام بر آن تأثیر می‌گذارند. هیئت نظارت به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از یک نهاد حاکمیتی، تأثیر شگرفی در به‌چالش کشیدن حقوق شهروندان دارد و دامنه صلاحیتی آن موارد فوق‌العاده مهمی را دربر می‌گیرد. نظارت مؤثر بر آن و درنهایت حصول شاخصه‌هایی چون شفافیت عملکرد، رضایتمندی، اثربخشی و کارآمدی این هیئت مستلزم همراهی متناسب مقررات، ضوابط و از همه مهم‌تر رویه حاکم بر هیئت یادشده با اصول دادرسی منصفانه است (احمدی، ۱۳۹۶، ۱۴). بنابراین کوشش در راه بهینه‌سازی عملکرد مراجع شبه قضایی در زمینه درنظر داشتن بایسته‌های دادرسی منصفانه باید در روزآمدسازی‌های آتی آن‌ها استوارانه مد نظر قرار گیرد.

با توجه به بازتاب کم‌رنگ اصول قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای، عملکرد مراجع شبه قضایی در این راستا بسیار اهمیت دارد؛ به‌ویژه اینکه افزون بر

دیوان عدالت اداری به‌عنوان یک مرجع عالی حقوق اداری، مراجع دیگری نیز در آرای صادره خود بر ضرورت پایبندی به دادرسی منصفانه تأکید کرده‌اند. از همین‌رو تا هنگام بازنگری در مقررات نظام‌های حرفه‌ای به‌منظور بازتاب بیشتر اصول دادرسی منصفانه، باید به عملکرد مراجع شبه قضایی در این راه امیدوار بود.

نتیجه

دادرسی منصفانه در این روزگار یکی از بنیادی‌ترین مطالبات افکار عمومی از نظام‌های حقوقی است تا در هریک از سازه‌های این نظام پدیدار شده، پیامدهای سازنده خود را به‌ویژه از دیدگاه حقوق افراد و جامعه برجای گذارد.

از آنجا که نظام‌های حرفه‌ای در کشورمان در دهه‌های گذشته بسیار گسترش یافته و این روند نیز همچنان ادامه دارد، مقررات حاکم بر این نظام‌ها اهمیت بسیاری پیدا کرده و لازم است تا پیمایش‌های مناسبی درباره رعایت انتظارات از آن‌ها به‌ویژه در زمینه توجه به قواعد ماهوی دادرسی منصفانه انجام شود.

با آنکه قوانین ایران به‌صراحت به ضرورت پیاده‌سازی دادرسی منصفانه اشاره نکرده‌اند و تفصیل آن تنها در قلمرو دکتترین مانده است، اما در برخی از آرای صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت اداری گزاره‌هایی در راستای رعایت این اصل دیده می‌شود.

کاستی پیش‌گفته در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران نیز به‌چشم می‌خورد، زیرا بررسی قوانین صنف‌ها و حرفه‌های گوناگون در کشورمان نشان می‌دهد که دادرسی منصفانه در خوش‌بینانه‌ترین حالت به صورت اشاره‌ای گذرا به یکی از قواعد ماهوی خود- و نه همه آن‌ها- صورت گرفته است.

بنابراین یکی از مهم‌ترین انتظارات از نظام حقوقی کشورمان در بازنگری‌های آتی این مقررات، بازتاب مناسب قواعد دادرسی منصفانه و تعیین ضمانت اجرا برای آن است.

تا آن هنگام اما از مراجع شبه قضایی انتظار می‌رود که دست‌کم با استناد به اصول کلی حقوقی در رسیدگی‌های خود، بنیادها و نیز در قواعد ماهوی رسیدگی منصفانه را مراعات

کنند. چراکه تردیدی وجود ندارد که صرف بیان کامل همه قواعد پیش گفته در قانون نیز تا هنگامی که مراجع شبه قضایی در حرفه‌های گوناگون خود را به آن‌ها پایبند ندانند، نمی‌تواند این هدف را به‌طور کامل محقق سازد.

در راستای یافته‌های این پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر نیز بیان می‌شود:

- بازنگری در مقررات نظام‌های حرفه‌ای و بازتاب مشروح قواعد ماهوی رسیدگی منصفانه در آن‌ها.
- تعیین ضمانت اجراهای گوناگون کیفری، مدنی و اداری برای رعایت دادرسی منصفانه در مراجع شبه قضایی حرفه‌های گوناگون.
- کوشش کنش‌گران دکتربین حقوق عمومی برای تبیین بسترهای مناسب پاسداشت قواعد ماهوی دادرسی منصفانه در حرفه‌ها و صنف‌ها.
- توجه هرچه بیشتر به نقش مراجع قضایی عالی همانند دیوان عدالت اداری در پدیداری الزام به پاسداشت دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مراجع مربوطه در نظام‌های حرفه‌ای.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، فتاح (۱۳۹۳)، *اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات اداری*، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
۲. ابوطالبی نجف‌آبادی، میثم (۱۳۹۲)، *اصول دادرسی عادلانه در نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات گمرکی*، تهران: جنگل - جاودانه .
۳. الهی‌منش، محمدرضا (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری و تخلفات پزشکی*، تهران: انتشارات مجد.
۴. امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش (بهار ۱۳۹۶)، *حقوق اداری*، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر میزان.
۵. آموزگار، مرتضی (۱۳۸۸)، *تعقیب کیفری و انتظامی پزشک مقصر*، چاپ اول، تهران: مجد.
۶. باری، مجتبی (۱۳۹۳)، *نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری*، تهران: کتاب آوا.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، چاپ هفدهم، تهران: چاپ راهنما
۸. رضایی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۵)، *حقوق اداری (۱)*، تهران: نشر میزان.
۹. شیدفر، زین‌العابدین (۱۳۴۲)، *حقوق عمومی و اداری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. طه، فریده و اشرافی، لیلا (۱۳۹۲)، *دادرسی عادلانه*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان .
۱۱. عبداللهیان، امید (۱۳۹۷)، *راهکارهای ارتقای رسیدگی عادلانه در مراجع اختصاصی غیرقضایی*، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۲. مؤتمنی طباطبائی، منوچهر (۱۳۹۳)، *حقوق اداری*، چاپ نوزدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۳. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴)، *دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری*، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.
۱۴. هداوند، مهدی و احمدی، محمد (۱۳۹۰)، *نظام رسیدگی به تخلفات مهندسين ساختمان*، چاپ اول، تهران: جنگل - جاودانه.
۱۵. هداوند، مهدی و سهرابی، مجید (۱۳۹۰)، *نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات صنفی*، چاپ اول، تهران: جنگل - جاودانه.

۱۶. آبانگاه، محمد؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی (پاییز ۱۳۹۸)، «تأثیر متقابل آرای دادگاه‌های کیفری ملی و محاکم کیفری بین‌المللی در پرتو قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد»، *مجله مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و نهم، شماره ۳.
۱۷. احمدی، کاظم (۱۳۹۶)، «هیأت نظارت در پرتو اصل دادرسی منصفانه»، *ماهنامه پژوهش ملل*، شماره ۸.
۱۸. امامی، علیرضا و گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (تابستان ۱۳۹۵)، «قواعد حقوقی حاکم بر آزادی فعالیت نظام‌های صنفی در ایران»، *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره دوم، شماره ۱.
۱۹. تقوی، زین‌العابدین و پشت‌دار، حسین (زمستان ۱۳۹۴)، «نقش و کارکرد کمیسیون رسیدگی به اختلافات ناشی از اراضی ملی از منظر اصول دادرسی منصفانه»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۴۹.
۲۰. سوادکوهی‌فر، سام (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)، «تحلیلی از نظام دادرسی بر محور حقوق شهروندی»، *مجله دادرسی*، شماره ۷۳.
۲۱. صابر، محمود (زمستان ۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره سیزدهم، شماره ۴.
۲۲. همتی، مجتبی (تابستان ۱۳۹۶)، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۵۵.